

آئینه فرهنگ و تمدن موزه هنرهای تزئینی،



استوار است همراه با عمیق‌ترین تأثیرات جلوه گر می‌سازد زیرا هنرمند ایرانی هدفی بس والا تراز خوشایندی چشم یا شادی ذهن را دنبال می‌کند که همانا بیان مضامین ژرف عرفانی است.

نخستین دریافت پیچیده و تاریکی که آدمی از جهان داشت با نگاره‌ها و شکل‌های آرایشی نمودار شد و به دست همین نگاره‌ها آدمی با سرنوشت دشوار و راه ناهموار و پریشم و هراس خود همبستگی بیشتر یافت. هر نقش، وسیله‌ای برای پرسش و مایه‌ی راز و نیاز، و آرامش نیروی درونی گردید و به سبب همه اینها هنر آذینی ایران که از آزموده‌های آدمیان در راه زندگی پدید آمده بود به والا ترین پایگاه خود رسید و در طول تاریخ گنجینه‌ای را پدید آورد که امروزه در ایران بخش عمده آن در موزه هنرهای تزئینی ایران نگاهداری می‌شود. و ما در ادامه این

قرار گرفته و به آثاری اطلاق می‌شود که گذشته از جنبه هنری از دیدگاه زندگی نیز سودمندند، زیرا هنرمند ایرانی هرگز در ذهن خویش میان هنر محض و هنر تزئینی جدائی و تمایزی قائل نشده است و همواره ذوق و اندیشه خود را در آفرینش آن گونه از ابزارهای زندگی بکار انداخته است که جنبه هنری و تزئینی نیز داشته‌اند و به عبارت دیگر کالا و ابزار زندگی خود را با زیورها و آرایشها، از برهنگی و صنعتی بودن صرف نجات داده، به اثری هنری بدل ساخته است.

بنیاد هنر ایرانی بر آرایش و آراستن نهاده شده است. بدین صورت که در این شیوه، امور خارجی با نقش‌های نگاشته می‌شود که آنها را تعبیر و تنظیم می‌کند و به این ترتیب نه تنها اشیاء را بشکل انتزاعی نشان می‌دهد بلکه جنبه عاطفی آنرا نیز که بر بنیادها و باورهای مذهبی

آثار بدست آمده از دوران کهن، و حفاریهای باستانشناسی نشان می‌دهد که مردمی که از دیرباز در سرزمین ایران زندگی می‌کرده‌اند زندگی خود را با هنر و زیبایی درآمیخته و همواره سعی بر جلوه گر ساختن این زیانها داشته‌اند. فرآورده‌های اندیشه و ذوق تربیت یافته مردم این دیار، به یاری دست‌های نیرومند و خلاق، آثاری را پدید آورده است که هم اکنون هر تکه‌ای از آنها بعنوان نمونه‌ای از اندیشه، ذوق، و قریحه آدمی در گنجینه‌ها و موزه‌های معروف سراسر دنیا نگاهداری و حرمت می‌شود و مورد تحسین و ستایش نظاره‌گران بشمار خود قرار می‌گیرد.

آن رشته از هنرهای زیبا، که نام هنرهای ایرانی به آنها داده می‌شود با شناسائی‌هایی که از هنر و گونه‌های مختلف آن در دست است در زیر عنوان هنرهای تزئینی

مقاله به ارائه گزارشی از این مرکز هنری، فرهنگی می‌پردازیم:

موزه هنرهای تزئینی ایران در سال ۱۳۳۸ بنیاد نهاده شد و در سال ۱۳۴۰ رسماً آغاز به کار نمود. گردآوری آثار و اشیاء تاریخی، هنری، و فرهنگی، نگاهداری و حراست آنها، فراهم آوردن امکانات پژوهش و تحقیق درباره آنها، آشنائی با نحوه زندگی گذشتگان، شناساندن آثار فرهنگ و هنر اسلامی به عموم مردم و سرانجام معرفی بیشتر و بهتر هنرهای تزئینی، از اهداف تأسیس این موزه بوده است.

اشیاء موزه هنرهای تزئینی، که به دست توانای هنرمندان ایرانی ساخته شده، و در بخشها و طبقات مختلف آن نگاهداری می‌شود نشاندهنده گسترش نفوذ هنر در میان طبقات مختلف مردمی است که، زندگی را با هنر و زیبایی در هم آمیخته اند و در طول تاریخ، فرهنگ و تمدن خود را آشکار ساخته اند.

البته بیشتر اشیاء این موزه را آثار هنری سده های ۱۱ تا ۱۴ هجری قمری تشکیل می‌دهد. اگر چه قدمت بعضی از این اشیاء به سده های قبل از اسلام نیز می‌رسد.

اشیاء موزه در چهار طبقه و در بخشهای گوناگون، برحسب نوع آثار، نگاهداری می‌شوند و در طبقه زیرین ساختمان (زیرزمین) نیز محلی برای برپائی نمایشگاههای موقت و آثار هنرمندان معاصری که در این زمینه ها فعالیت دارند در نظر گرفته شده است.

در طبقه همکف ساختمان موزه به نمایشگاه دائمی آثار بی نظیر موزه ای کاخ مرمر بر می‌خوریم که از جمله آثار متنوع این بخش می‌توان از دو مجموعه جالب منبت معرق و خاتم بندی نام برد: مجموعه میز ناهارخوری ۱۶ نفره منبت و معرق کاری به اضافه صندلی هائی باروکش پارچه زری، از بهترین کارهای استاد علی امامی که از هنرمندان برجسته معاصر می‌باشند، نمونه زیبایی از شکوفائی و تنوع متناسب این رشته هنری است. همچنین طرح نقوش این مجموعه کار استاد عیسی بهادری است که ایشان نیز از هنرمندان برجسته و بنام معاصر می‌باشند.

مجموعه نفیس دیگر این بخش از بهترین آثار خاتم بندی است که بصورت کمد، ویرین های سیار، میز و صندلی کار با سرویس کامل روی میز درآمده است. کیفیت و زیبایی کار این مجموعه که در آن از بهترین مواد خاتم از جمله از رشته های طلا و یشم نیز استفاده شده در نوع خود بی نظیر و در خود توجه می‌باشد.

مجموعه خاتم کاخ مرمر در نتیجه زحمت و تلاش



بی وقته یک گروه ۸۰ نفری از هنرمندان خاتم ساز اصفهان و تهران در مدت دو سال و نیم ساخته شده است و سرپرستی این گروه را استاد محمد صنیع خاتم شیرازی برعهده داشته اند.

اما طبقه اول ساختمان موزه به دوخته ها و بیافته های هنرمندان ایرانی در ادوار مختلف تاریخی تعلق دارد. رشته های ۲۲ گانه سوزن دوزی از قبیل نقش، آجیده دوزی، لایه دوزی یا پنبه دوزی، پته دوزی یا سلسله دوزی، قلاب دوزی، تکه دوزی، گلابتون دوزی، ملیله دوزی، پولک دوزی، ده یک دوزی، منجوق دوزی، سرمه دوزی، پیله دوزی، ابریشم دوزی، گبر دوزی،

زردشتی دوزی، مزایف دوزی، بخارا دوزی، نقده دوزی، آئینه دوزی، سکه دوزی، مروارید دوزی، خوس دوزی، خامه دوزی، و همچنین رشته های مختلف بافندگی: گلیم، جاجیم، قالیچه، انواع زری، ترمه یا شال، مخمل، و سایر دستبافته های ایرانی، در این طبقه در ۳۹ قفسه به نمایش درآمده است.

سوزن دوزی یا نخ دوزی، یا گلدوزی یکی از روشهای دیرینه آرایش جامه است که با توجه به کشفیات بعمل آمده در مغرب ایران، مورخین و باستان شناسان سابقه تاریخی آنرا حدود شش هزار سال پیش از میلاد تخمین زده اند.

در مورد هنر بافندگی باید بگوئیم که مهارت هنرمندان

ایرانی در بافتن پارچه های نفیس در زمان قدیم همواره تحت الشعاع شهرت فراوان آنان در قالی بافی قرار داشته است.

خوزستان یکی از مراکز عمده پارچه بافی در ایران بود. شهرهای شوش و شوشتر و جندی شاپور شهرت زیادی از جهت بافتن پارچه های نخی و قالی و نمند و پارچه های پرده ای و ابریشمی داشته اند و بخصوص در شوشتر کارگاهی دولتی وجود داشته که در آن بر روی پارچه بافت آن نیز نوشته می شده است.

در همین شهر بود که مدتی پرده خانه خدا در کعبه تهیه می شد و گفته شده که در سال ۹۶۴ میلادی یعنی سده چهارم هجری پرده ای از کار هنرمندان شوشتر به قیمت ۵۰۰/۱۰۰ تومان به فروش رفته که مسلماً باید کاری فوق العاده بوده باشد.

هنر بافندگی نیز همچون دیگر هنرها در سایر شهرهای ایران رواج داشت و هر یک از این شهرها علاوه بر آنکه در یکی از این هنرها شهره می گشت، سایر آنها را نیز در درون خود داشت مثلاً بافت گلیم در بلوچستان، کردستان، کرمان، فارس، ترکمن صحرا و لرستان به شهرت می رسد و هنرمندان کاشان، یزد، تبریز، مشهد، و هرات در بافت پارچه مخمل مهارت خود را نشان می دهند.

در موزه هنرهای تزئینی، نمونه هایی بی نظیر از پارچه های زری نگاهداری می شود که تاریخ و پود آنها از نخ های ابریشمی ۸۵٪ و نخ های گلابتون (ابریشم خالص ناپیده شده با طلا یا نقره) بافته شده است. در چهار قفسه اول این بخش انواع پارچه های زری از قبیل: زری شاه عباسی، زری لپه باف، زری اطلسی، زری ختایی، و گل برجسته جلب توجه می کند که همه آنها در فاصله سده های نهم تا سیزدهم هجری قمری در مراکز مهم بافندگی پارچه های زربفت، یعنی اصفهان، کاشان، و یزد روی دستگاههای تمام چوبی بافته شده اند.

در قفسه پنجم یکی از بهترین نمونه های چادر پته دوزی یا سلسله دوزی کرمان در سده ۱۳ هجری قمری، قرار دارد. این چادر پس از طراحی و نقش پردازی، به کمک نخهای پشمی دست ریس الوان، یا مهارتی چسبگیر سوزن دوزی شده است.

قفسه های ششم، بیست و یکم و بیست و دوم اختصاص به پارچه های قلمکار سده های ۱۱ تا ۱۳ هجری قمری دارد. در این آثار، هنرمند با استفاده از قالیهای چوبی و رنگهای طبیعی و ثابت، نقوش زیبایی را روی پارچه های ابریشمی، کرباس، کتان، چلووار و لملم به تصویر کشیده است.

در این قفسه ها قالب های مورد استفاده در طراحی پارچه هائیز به نمایش درآمده اند. طرز ساختن این قالبها

بدین صورت است که چوبها را به شکل استوانه و به اندازه های مختلف از درخت گلابی یا زالزالک می برند و به مدت چهار سال در آفتاب قرار می دهند تا خشک شود. سپس آنها را رنده کشی کرده و قاعده استوانه را به مدت یک تا دو هفته به میزان پنج میلیمتر پیه اندود می کنند. بعد از تمیز کردن پیه، چوب را با محلول گرد پوست انار و کتیرا در آب شستشو داده و طرحی را که روی کاغذ پیاده شده به طور معکوس روی چوب قرار می دهند. آنگاه هنرمند قالب ساز با استفاده از منقاش هائی شروع به حکاکی قالب می کند.

قالب های موجود در موزه دارای نقوش زیر است: بسته جقه ای، بازوبندی، بند رومی، گل بادامی، تک بنه ای، گل حسینقلیخانی، گل ناصرخانی، نقش محرابی، کتیبه ای شعرا.

در قفسه هشتم یک پرده بزرگ بخارا دوزی با گل های سوزن دوزی شده قرمز و نیلی جلب نظر می نماید که این پرده در اواسط سده ۱۲ هجری قمری سوزن دوزی شده و حکایت از رواج کامل بخارا دوزی در قسمتهای شمال شرقی ایران دارد.

در قفسه های هشتم و نهم دو نمونه پرده قلابدوزی، تکه دوزی (لنبره دوزی) و مشرقه دوزی تهیه شده از ماهوت، متعلق به سده ۱۳ هجری جلب نظر می نماید و در سایر این قفسه ها که روی هم رفته سی و نه قفسه را تشکیل می دهند و مجموعه ای نفیس از هنرهای دوزندگی و بافندگی این مرز و بوم را پدید می آورند آثار بیشمار دیگری به چشم می خورد که از جمله آنها می توان به آثار زیر اشاره کرد.

یک تخته گلیم دورویه با نقش زیبای «ماه درهم» بافت سده کردستان متعلق به سده ۱۳ هجری یا چله ابریشم الوان و تار و پود تمام پشم، چند تخته قالیچه تمام ابریشم کاشان با نقش لیچک ترنج و گل گلدانی، قالیچه یموت با نقش ترکمنی، قالیچه محرابی برجسته با خطوط کوفی، قالیچه بلوچ با نقش لیچک ترنج، قالیچه پته جقه ای سنندج، قالیچه گل فرنگ ساروق اراک و قالیچه بسیار نفیس ترمه کرمان، متعلق به سده های ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری، انواع شال ترمه یازری پشمی دستباف بافته شده در کرمان و خراسان در سده های ۱۲ و ۱۳ هجری، ترمه هائی بافته شده به شیوه گلیم (به نحوی که پشت و روی آنها یکسان است) با نقشهای پته جقه ای یا درخت زندگی، محرمات، هفت رنگ، گل بادامی و شاخ گوزنی، انواع مخمل، جاجیم، یقچه، سوزنی، سجاده، سفره قند، پیش سینه، حنابند و...

لازم به تأکید است که وجود یک طاقه پرده خانه خدا، که از پرده های هشتگانه خانه خدا و از مخمل سیاه

* خاتم کاری در لغت عبارتست از: هنر آراستن سطح اشیاء بوسیله چوب، استخوان، عاج، صدف، و فلز که به اشکال هندسی مختلف درآمده باشند.

می باشد، جلوه ای والا به موزه بخشیده است.

این پرده پس از طراحی و نقش پردازی، با نخهای ابریشم خالص قتیله گذاری و سپس روی آنها با استفاده از نخ گلابتون، سوزن دوزی شده است. آیات ۱۲۶ و ۱۲۷ سوره شریفه بقره در وسط پرده به چشم می خورد، که توسط خوشنویس به شیوه خط ثلث مصری طراحی شده و توسط هنرمندان ماهر قتیله گذاری و با استفاده از نخ گلابتون، گلابتون دوزی، و ده یک دوزی شده است. آیات روی این پرده به شرح زیر آمده است:

واذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت واسمعیل ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم و بنا واجعلنا مسلمین لک ومن ذریتنا امة مسلمة لک وارنا مناسکنا وتب علینا انک انت التواب الرحیم

در قسمت چپ این پرده نیز سوره توحید به شیوه خط رقاع گلابتون دوزی و ده یک دوزی شده است. و این پرده بی نظیر از نفیس ترین اشیاء موزه است.

در طبقه دوم این موزه به پنج بخش خاتم بندی یا خاتم سازی، منبت و مشبک و معرق، روغنی، آثار فلزی و اشیاء زینتی و نیز شیشه بر می خوریم که در ۳۸ و بترین عرضه شده اند.

۱- بخش خاتم بندی یا خاتم سازی:

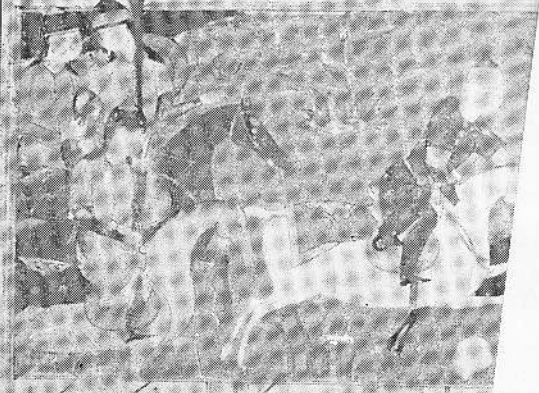
خاتم سازی از جمله ظریف ترین و اصیل ترین هنرها، و صنایع دستی ایران است که از زمان پیدایش و در طول حیات خود استحکام، استخوان بندی و اصالت اولیه خود را حفظ کرده و کمتر سیر قهقرائی داشته است.

خاتم سازی در لغت عبارتست از هنر آراستن سطح اشیاء بوسیله چوب، استخوان، عاج، صدف و فلز که به اشکال هندسی مختلف درآمده باشند.

خاتم را می توان به عنوان ختم کننده تمام ظرفها در هنرهای دستی ایرانی برشمرد که در هر سانتیمتر مربع آن بطور متوسط می توان بیش از ۲۵۰ قطعه از انواع چوبهای صنعتی از قبیل فوفل، شمشاد، افرا، آبنوس، عناب، نارنج، کهکم، زبان گنجشک و انواع فلز از قبیل برنج، طلا، نقره، استخوان شتریا سب، صدف و عاج را مشاهده کرد.

خاتم سازی انواع مختلف دارد: خاتم شش گل، هشت گل طره ای، نیم طره ابری و... از جمله نمونه های

مقال به ارائه گزارش
می پردازیم:
موزه هنر
شد و در
واژه
لغت عبارتست از هنر
بوسیله چوب،
و فلز که به
پاشند.



کشور ما متداول بوده است. جلد هائی عموماً ساخته شده از پوست حیوانات که بعدها جای خود را به مقواده اند. این مجموعه نشان دهنده ذوق و نبوغ هنرمندان این قرن بوده است. سده های فوق بوده و یاد آور هنر استادانی چون آقا صادق آقا باقر، آقا نجف، آقا بزرگ شیرازی، نصرالله امامی و محمد علی خوانساری می باشد.

مجموعه زیبایی از قابهای آینه رنگ روغن نیز تشکیل دهنده قسمت دیگری از این بخش است.

سایر ویرینه های این بخش را نمونه هائی از اشیا، و آثار روغنی (لاکی) چون جعبه آرایش، خوانچه، کوزه، قلیان، جعبه قلمدان، دوک نخ ریزی، چوب نند، رطل کشونی به شیوه کشمیر، تابلوی رنگ روغن روی چوب، کمان و عصا تشکیل می دهد که بیشتر در فاصله سده های ۱۲ تا ۱۴ هجری قمری در شهرهای شیراز، اصفهان، تهران، و تبریز ساخته شده اند.

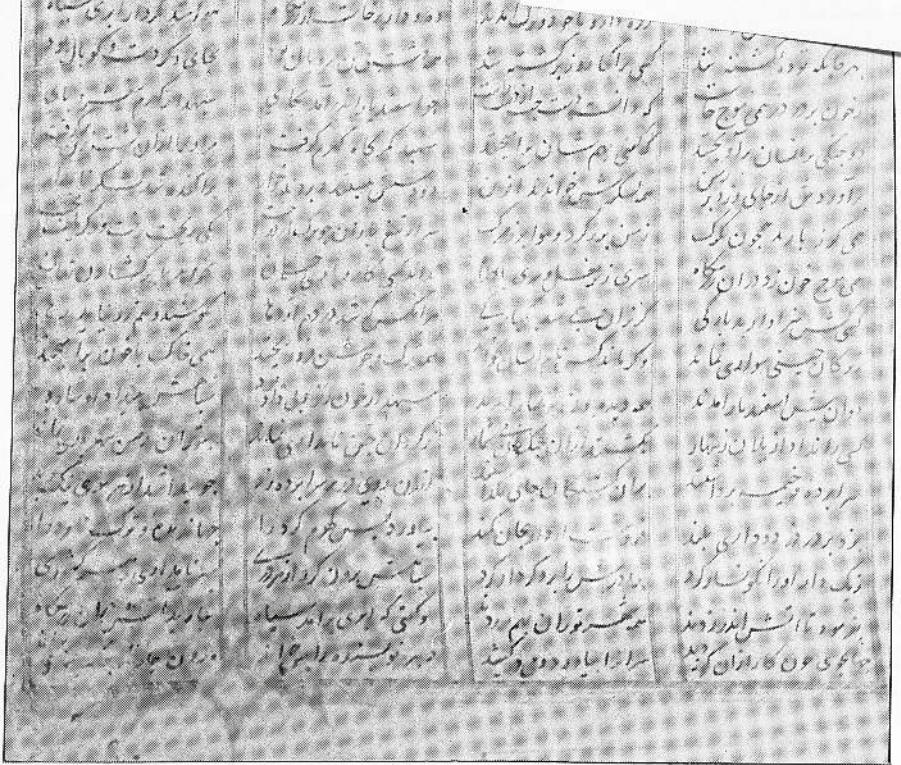
انواع قرآنها، کتابهای دعای خطی، و نیز آثار خطی بزرگان ادب فارسی، مانند خمسه نظامی، خمسه امیر خسرو دهلوی، گلستان و بوستان سعدی، دیوان حافظ، دیوان امیر علیشیر نوائی و... از دیگر آثار این بخش هستند همچنین آثار دیگری نیز در این قسمت به چشم می خورد که همگی دارای جلد های لاکه و سوخت و سر لوحه های تذهیب شده، صفحات مجذول و طلا اندازی شده اند و به سده های دهم تا سیزدهم هجری قمری مربوط می شوند.

۳- بخش منبت، معرق، و مشبک:

هنر منبت کاری چنانکه از قرائن پیدامت، از سابقه ای بس طولانی در تاریخ تمدن و فرهنگ ایرانیان برخوردار بوده است. از کتیبه هائی که در تخت جمشید کشف شده است چنین استنباط می شود که صنعتگران روزگاران کهن در مقابل دستمزدی که به آنان داده می شد روی درهای چوبی را به صورت منبت، معرق یا مشبک تزئین می کرده اند.

البته از آنجا که چوب با گذشت زمان در زیر خاک می پوسد، لذا تا حال هیچ نمونه و اثری از چوبهای کهنه کاری شده مربوط به دوره های ما قبل اسلام به دست ما نرسیده است. این هنر در دوره صفوی به حد شکوفائی رسید و در آرامگاه شاهزاده حسین در قزوین نمونه درخشانی از خود بجا گذارد. شهرهای آباده، خوانسار، گلیاپگان، اراک، ارومیه از مراکز عمده تجمع منبتکاران بوده است.

آنچه در موزه هنرهای تزئینی از انواع این آثار مشاهده می کنیم عبارتند از: انواع قاب آئینه منبت کاری شده، کشکول کنده کاری شده با اشعار به خط نستعلیق و گلگلهای اسلیمی، ساخته شده از چوب شمشاد، شانه



این هنر ظریفه هستند که در طول تاریخ برای تزئین انواع وسائل مورد نیاز زندگی که با چوب ساخته می شدند مورد استفاده هنرمندان ما قرار گرفته و به تدریج گامهای مؤثری به سمت کمال برداشته اند و ما بسیاری از بهترین و نفیس ترین این آثار را در موزه هنرهای تزئینی ایران مشاهده می کنیم.

در سه ویرین این بخش انواع قاب آینه، گلچه، تخته نرد، رطل زیر عمامه، قلمدان، ضرب، چپق، چوب نند و نیز یک جعبه آرایش خاتم که سطح خارجی آن خاتم کاری و صدف کاری شده به نمایش گذاشته شده است. روی در جعبه، یک ترنج بزرگ خاتم کاری شده و چهار طرف ترنج، دو بیت شعر به چشم می خورد که با استخوان در نهایت زیبایی بریده و کار گذاشته شده است. این جعبه خاتم در شیراز ساخته شده و متعلق به اواخر قرن ۱۳ هجری قمری است. بر دیوارهای جعبه نیز اشعاری متناسب با کاربرد جعبه مشاهده می شود.

۲- بخش اشیا روغنی:

در این بخش، قسمتی از موزه اختصاص به مجموعه نفیسی از انواع جلد های روغنی چرمی و مقواتی با تذهیب زیبا دارد که در سده های ۱۱ تا ۱۳ هجری ساخته شده اند. ساختن جلد های زیبا از زمانهای بسیار دور در

مانده شده از چوب شمشاد و فوفل، قسمتی از یک جمعه مرق و مشک، کتیبه‌های چوبی منبت، چیق منبت با مرق و... که در سده ۱۳ هجری در خوانسار توسط استادزین العابدین ساخته شده است.

هریک از اشیاء این بخش که در فاصله سده‌های ۱۲ تا ۱۱ هجری قمری در شهرهای آباده، خوانسار، گلپایگان، اراک، ارومیه، و سنندج ساخته شده مبین ظرافت و زیبایی هنر منبت و مشک و مرق است.

۱- بخش زیورآلات و فلز:

فلز و جنبه دوگانه کاربرد آن در این بخش به تماشا گذارده می‌شود: ابتدا استفاده از فلز جهت ساختن زیورآلات که تنها جنبه تجملی و آرایشی دارد و سپس استفاده از آن برای ساختن اشیایی که در زندگی روزمره کاربرد داشته‌اند.

مجموعه زیورآلات طلا و مطلا و نقره از جمله: انواع و انواع گردنبند، گوشواره، آویز پیشانی، کمر بند، قلاب، روبنده، گل کمر بند، قاب دعا، قوطی سیگار و... نمونه‌های بسیار بدیعی از اشیاء مینائی و تزئینات زاننه محلی که اغلب بوسیله سنگهای قیمتی تزئین شده‌اند و یا آراسته به هنر ملیله کاری بسیار ظریف می‌باشند آثار این بخش را تشکیل می‌دهند.

۲- بخش شیشه:

از دیگر هنرهای ظریفه ایرانی که باید آنرا جزو ذرات آتشی نام نهاد هنر شیشه گری است.

سیر تحول این هنر که از زمان ساسانیان در ایران رواج پیدا کرده و در زمان سلجوقیان به نهایت درجه تکامل رسیده است، در این بخش از موزه هنرهای تجسمی به روشنی هویدا است. اشیاء این بخش سیر تحول نیشه‌سازی را از قبل از اسلام تا سده ۱۴ هجری قمری در نیشابور، گرگان، قم، اصفهان، و آذربایجان غربی نشان می‌دهد که عبارتند از: گلاب پاش، گلدانهای رنگارنگ، انواع عطردانهای شیشه‌ای تراش دار بیرنگ صاف گرفته، تنگ شیشه‌ای ضخیم قالبی بیرنگ بناپور، صراحی قم، کوزه قلیان قم و بالاخره کاسه‌های چینی زمینه سفید با نقوش آبی رنگ دوره صفوی.

روش ساخت این اشیاء بطور کلی بدین ترتیب است که هنرمند شیشه‌گر پس از آنکه خمیر مذاب شیشه را به شکل دلخواه درآورد و بعد از سرد شدن، آن روی شیشه را با رنگهای مخصوص زینت می‌دهد و سپس مجدداً به آن حرارت می‌دهد تا رنگ مینائی در جرم شیشه فرورود چنان بنماید که گوئی روی نقش را لعاب شیشه‌ای زده‌اند. این فن از لحاظ ترکیبات مواد آن با هنر مینا سازی بستگی دارد و رنگهایش با کمی اختلاف همان رنگهایی است که در مینا بکار می‌رود.

* نقاشی ایرانی همواره در خدمت ادبیات و تصویرگر داستان یا شعری بوده که نویسنده یا شاعر آنرا خلق کرده است.

۵۵۵

در طبقه سوم موزه هنرهای تزئینی دو بخش نقاشی و مینیاتور، به همراه خط و کتابت به بینندگان عرضه می‌شود. بخش نقاشی و مینیاتور نشانگر سیر تحول نقاشی در ایران از سده هشتم تا چهاردهم هجری قمری و در برگزیده شاهکارهای کم نظیر نقاشان و مینیاتوریست‌های ایرانی است که با تابلوهایی از اوراق کتاب خسرو و شیرین نظامی و ورقی از کتاب عجایب المخلوقات طوسی آغاز می‌شود.

چنانکه می‌دانیم نقاشی ایرانی (مینیاتور) همواره در خدمت ادبیات و تصویرگر داستان یا شعری که نویسنده یا شاعر آنرا خلق کرده است می‌باشد.

در این نوع نقاشی قوانین پرسپکتیو رعایت نمی‌شود و رنگها بصورت خالص و تخت (بدون سایه و روشن) بکار گرفته می‌شود.

اثر نفیس و جالب توجه دیگری که در این بخش جلب نظر تماشاگران را می‌نماید اوراق کتاب خطی و مصور خاوران نامه است که خوشبختانه نسخه قدیمی و کامل آن در این موزه نگهداری می‌شود. این مثنوی حماسی، که به شرح زندگانی و جنگ‌ها و دلاوریهای حضرت علی بن ابیطالب (ع) پرداخته، به سال ۸۵۴ ه.ق یعنی در زمان ناظمش ملک الکلام مولانا محمد حسام‌الدین مشهور به ابن حسام نوشته و پرداخته شده است. نقاشی‌های این کتاب توسط استاد فرهاد و دو تن دیگر از نقاشان همان سده و به شیوه مکتب شیراز یا مکتب ترکمانان انجام شده است.

نقاشی بعدی، چهره سیاه قلم یعقوب بیگ آق قویونلو، از بی نظیرترین صورترگانهایی است که در عصر صفویه می‌زیست است. تابلوهای بعدی به نقاشان و هنرمندانی چون: صادقی بیگ افشار، حبیب‌الله ساوی، نادر بانوبت علیقلی، رضا عباسی، رضا هروی، رضا مصور کاشی، محمد حسین طوطی، معین مصور، محمد زمان، علی نقی و شیخ عباسی.

قسمت بعد را نمونه‌هایی از نقاشی رنگ روغن متعلق به سده ۱۳ هجری قمری تشکیل می‌دهد. تابلوی

حضرت ابراهیم (ع) در مذبح، کار آقا اسماعیل جلایرو تابلوی حضرت علی (ع) کار میرزا ابوالحسن صنیع الملک و تابلوی از کمال الملک تابلوی ریسنده‌گان، کار آقا موسی سال ۱۳۱۳ و تابلوی تصویر کمال الملک کار صنیع السلطان از نمونه‌های بسیار نفیس این هنر است.

در این بخش همچنین تابلوهای بی نظیری از اساتید فن، از جمله آقا صادق، ابوالحسن مستوفی، میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری، محمود خان شریف ملک الشعراء، استاد علی پسر محمود خان شریف، آقا اسمعیل جلایر، محمد حسن شیرازی و محمد حسن افشار رومی به چشم می‌خورد.

کارهای استاد حسین بهزاد، مینیاتوریست معروف، و برتری را در این بخش به خود اختصاص داده است.

مجموعه تابلوهای شیرین و فرهاد و چوگان بازی، از مهمترین کارهای استاد است. تعدادی از صفحات بی نظیر مرق معروف گلشن قسمت دیگری از این بخش را تشکیل داده است که این صفحات به سبک هندو ایرانی و توسط ۶۰۰ تن از هنرمندان نقاشی هندی و ایرانی به سر پرستی استاد سید علی تبریزی و سپس به سر پرستی استاد خواجه عبدالصمد شیرازی در دربار اکبر شاه و جهانگیر شاه تهیه شده و از تذهیب، شعیر، نقاشی و خطوط بسیار زیبا و هنرمندانه‌ای برخوردار است.

گذشته از اینها موزه هنرهای تزئینی، گنجینه بسیار نفیسی از آثار خوشنویسان معروف و گمنام با انواع خطوط کوفی، محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقا، توقع، تعلیق، شکسته تعلیق، نستعلیق، شکسته نستعلیق، نستعلیق گلزار، خط ناخنی، خط مشنی و خط طغری، گردآورده است.

خوشنویسان نامی همچون، جمال‌الدین یاقوت مستعصمی ملقب به قیلة الکتاب عبدالله صیرفی فرزند خواجه محمود صراف تبریزی، حاجی محمد بند دوز تبریزی شاگرد عبدالله صیرفی، مولانا عبدالله طباطبائی، نواب میرزا بایسنقر فرزند شاهرخ میرزا، علاء‌الدین بن شمس‌الدین حافظ تبریزی، علیرضا تبریزی، قحان‌الدین بلبل شهنامه خوان، میرعلی تبریزی واضح، میرعماد الحسنی سیفی قزوینی، گوهرشاد، میرابراهیم، عبدالرشید دلیلی، میرزا محمدرضا کلهر و... و صدها تن خوشنویس مشهور و گمنام دیگر آثار برجسته‌ای در این موزه دارند که برای علاقمندان به نمایش گذارده شده است.

این موزه علاوه بر آنچه شرح رفت فعالیت‌های هنری دیگری را نیز بر عهده دارد که از آن جمله می‌توان به تشکیل کلاسهای آموزشی موقت برای هنرجویان و برپایی نمایشگاههای موقت از آثار هنرمندان معاصر، اشاره نمود.